

پیام حفاظت معماری در شمای ارتباطی یا کوبسن

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۶/۲۹

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۸/۰۲

کد مقاله: ۵۶۴۹۱

داوود امامی میبیدی^{*۱}

چکیده

مطالعات میان‌رشته‌ای که در دوره معاصر بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد با عنایت به پیوند زنجیرگونه میان علوم مختلف بوده که این پژوهش هم بر اساس این متدولوژی شکل گرفته است. قرابت بین زبان‌شناسی و معماری انکار ناشدنی است این نزدیکی منجر به پدیداری زبان‌های معماری گوناگونی شده که یکی از راه‌های نشانه‌شناسی معماری بررسی زبان‌شناسی و ادبیات موجد آن معماری می‌باشد. رومن یا کوبسن نشانه‌شناسی را برآمده از زبان و نشانه‌شناسی را فرآیند معنی‌دار شدن بر اساس متن می‌داند. یا کوبسن در به‌کارگیری نظریه ارتباط در ادبیات قائل به شش مؤلفه ارتباطی است: ۱- پیام اثر؛ ۲- (معنی معماری)-فرستنده پیام (معمار سازنده-مرمتگر)؛ ۳- گیرنده پیام (مخاطب-بازدیدکننده)؛ ۴- رمز (قواعد و هنجارهای بیانی معماری)؛ ۵- زمینه ارتباطی (زمینه‌های تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و...); ۶- مجرای ارتباطی (رسانه معماری با ساخت‌مایه‌ها). در این مقاله به تأثیر سازنده‌های ارتباطی پیام حفاظت پرداخته می‌شود و به تشریح به این نکته می‌پردازد که اگر در جریان حفاظت، تأکید بر هریک از مؤلفه‌های ارتباطی گذاشته شود، سمت مرمت به کدام سوی و جهت خواهد بود؟ اینکه محور اصلی در تأکیدگذاری فرایند ارتباط کدام سو می‌باشد و از میان نقش‌های شش‌گانه زبانی (ترغیبی، عاطفی، همدلی، ادبی، فرازبانی و ارجاعی) کدام نقش پررنگ‌تر و کدام کم‌رنگ‌تر محسوب می‌گردد و نقش این تأکید ارتباطی در جریان حفاظت کدام نوع مرمت را پیش می‌کشند؟ نتایج پژوهش نشان می‌دهد با تعمیم نظریه یا کوبسن به حفاظت معماری، مرمت‌های گوناگونی شکل می‌گیرد که بر اساس نوع بنا و پروژه تغییر پیدا می‌کند. حفاظت گر با در نظرگیری شرایط موجود و تأکید بر یکی از محورهای ارتباطی یک نوع مرمت را انتخاب و اجرایی می‌نماید.

واژگان کلیدی: حفاظت، شمای ارتباطی، رومن یا کوبسن

۱- نویسنده مسئول، کارشناس ارشد مرمت بناهای تاریخی، mehraz.emami@gmail.com

۱- مقدمه

مؤلفه‌های ارتباطی یا کوبسن نسبت به سایر دسته‌بندی‌های، چهارچوب مشخص و تعریف‌شده‌ای از عناصر تشکیل‌دهنده ارتباط دارد به همین دلیل به نظر می‌رسد قابلیت تعمیم در معماری را نیز داشته باشد. این الگو «با توجه به مرزبندی و تفکیک دقیقی که او میان اجزای تشکیل‌دهنده یک ارتباط کلامی و نقش‌های هر کدام از این اجزا قائل شده است، در بررسی و تحلیل هر متن و در کل هر نوع ارتباط زبانی، کارایی خواهد داشت». (صراحتی جویباری و محسنی، ۱۳۹۵: ۹۸). از نقاط قوت نظریه یا کوبسن می‌توان به در نظر گرفتن عنصر «گیرنده» با توجه به نقش مخاطب در خوانش متن اشاره کرد. تا پیش از نظریه ارتباطی یا کوبسن و نظریه «مرگ مؤلف» رولان بارت، متن و معنی در سایه مؤلف قرار داشت. امبرتو اکو معتقد است نشانه‌شناسان تمام پدیده‌های فرهنگی را به مثابه نظام‌های نشانه‌ای مورد مطالعه قرار می‌دهند. پس با این فرض، تمام پدیده‌های فرهنگی نظام‌های نشانه‌ای هستند یا فرهنگ را می‌توان ابزار برقراری ارتباط تلقی کرد. ماهیت عناصر معماری عملکرد است. ارتباط و عملکرد به یکدیگر مرتبط بوده و یکی از راه‌های تجزیه و تحلیل معماری از دیدگاه نشانه‌ای بررسی عملکردهای آن از طریق ارتباط می‌باشد. (اکو، ۱۳۹۶: ۲۴۹). دیدگاه اکو در مورد نشانه‌شناسی معماری از بعد توجه وی به روش بررسی عناصر معماری حائز اهمیت است. وی معماری را ارتباطی می‌داند که کارکردهای ضروری عناصر معماری را آشکار می‌سازد. هدف ما در این مقاله تحلیل حفاظت معماری بر مبنای فرایند ارتباطی یا کوبسن است، ما تلاش می‌کنیم بفهمیم که کدامیک از این فرایندهای شش‌گانه در حفاظت وظیفه خطیر انتقال پیام را بیشتر از عناصر دیگر بر عهده می‌گیرد. بنابراین ابتدا از همه باید نظریه فرایند ارتباطی یا کوبسن را بشناسیم. به اعتقاد یا کوبسن هرگونه ارتباط کلامی از یک «پیام» (Message) تشکیل شده است که از سوی «فرستنده» (Sender) یا گوینده به مخاطب یا «گیرنده» (Receiver) منتقل می‌شود. هر ارتباط موفق باید سه عنصر دیگر را همراه داشته باشد. «زمینه» یا «مدلولی» (Context, Setting) که مخاطب بتواند آن را به روشنی درک کند. «کد» (Code) یا مجموعه‌ای از رمزگان و علائم که گوینده و مخاطب آن را بشناسند و سرانجام به «تماس» (Contact) نیاز است؛ یعنی مجرای جسمی و پیوندی روانی بین گوینده و مخاطب که امکان برقراری ارتباط را میسر سازد (یا کوبسن، ۱۳۶۹: ۷۷-۷۶؛ احمدی، ۱۳۷۰: ۶۶-۶۵).

۲- پیشینه نظری تحقیق

پژوهش‌های گوناگونی با موضوع حفاظت معماری صورت پذیرفته است اما پژوهشی که به تحلیل نقش‌های ارتباطی در حفاظت بپردازد، تا به حال صورت نگرفته است و اثر مستقلی در این مورد وجود ندارد از این رو وجود چنین تحقیقی و پژوهشی لازم به نظر می‌رسید. مطالعات انجام شده در ایران در این حوزه شامل دو بخش می‌باشد بخش اول که شامل بررسی ادبیات می‌باشد و بخش دوم که به حوزه معماری تعلق دارد. آثاری که به بررسی ادبیات می‌پردازند شامل: نقش‌های شش‌گانه زبانی در ادبیات تعلیمی با تکیه بر یکی از قصاید سنایی (فیضی، ۱۳۹۲)؛ بررسی ساختار ادب غنایی از دیدگاه زبان‌شناسی با تکیه بر نظریه «نقش‌های زبانی یا کوبسن». (ایران زاده، ۱۳۹۴)؛ یا کوبسن، وجودی حاضر و غایب (حق شناس، ۱۳۸۵)؛ بررسی نظریه ارتباط کلامی یا کوبسن در علم معانی (جهاد، ۱۳۸۷)؛ تحلیل واژانه بر مبنای الگوی ارتباطی یا کوبسن (احمدی، ۱۳۹۷)؛ الگوی ساختاری- ارتباطی حکایت‌های حدیقه (میرزایی، ۱۳۹۰)؛ تحلیل رویکرد تعلیمی ابوسعید ابوالخیر بر مبنای نظریه ارتباطات کلامی یا کوبسن (امری، ۱۳۹۲)؛ عوامل موثر در ایجاد نقش ترغیبی با درقصاید ناصر خسرو (صراحتی جویباری، ۱۳۹۵). یکی از محدود مقالاتی معماری که در آن به شمای ارتباطی یا کوبسن در معماری پرداخته مقاله "عوامل موثر بر ارتباط و نشانه‌شناسی در معماری" نوشته مسعود وفاپی می‌باشد.

۳- روش شناسی تحقیق

ساختار محتوایی این تحقیق با توجه به موضوع مورد مطالعه، ساختاری کیفی می‌باشد و رویه مورد استفاده در آن، بررسی پیشینه مطالعات پیرامون این مبحث و مبنای نظری مرتبط با موضوع بود که به صورت داده‌ها و نظریه‌های مورد نیاز، به روش کتابخانه‌ای گردآوری شد. با توجه به هدف این پژوهش که تبیین مفهوم و جایگاه شمای ارتباطی یا کوبسن در حفاظت معماری می‌باشد، ابتدا سابقه دلالت‌های معمارانه پیام‌ها مورد مطالعه قرار گرفت و در ادامه به تدقیق و تحدید حوزه پیام بر اساس ارتباط در حفاظت پرداخته شد. این مقاله با استفاده از نشانه‌شناسی، بعنوان روش تحقیق، سعی در بررسی فرآیند دلالت‌های ارتباطی پیام بر پیکره مطالعاتی خود دارد. برای این منظور، از شش مجرای ارتباطی پیام استفاده شده است.

۴- نظریه ارتباطی یا کوبسن

رومن یا کوبسن، زبان شناس روسی تبار، در عرصه‌ی زبان‌شناسی و ادبیات انتقادی نظریه‌ی فراوانی دارد. نظریه‌ی «ارتباط» او از جمله منسجم‌ترین طرح‌های ارتباطی است. با توجه به تنوع نظریه‌ها و دیدگاه‌ها برای ورود به تحلیل موضوع باید از یک

دیدگاه قابل اطمینان و بدون خدشه استفاده کرد. نظریهٔ ارتباط رومن یاکوبسن هنگامی که نقشهای زبان و روند ایجاد ارتباط را تحلیل می‌کند، می‌تواند برای تحلیل بهترین گزینه باشد. او معتقد است فرستنده پیامی را برای گیرنده می‌فرستد. این پیام برای آنکه موثر باشد، باید به زمینه یا مصداقی ارجاع دهد و گیرنده بتواند آن را دریابد. همچنین به رمزی نیاز دارد که تا حدی بین گیرنده و فرستنده یا به عبارت دیگر بین رمز گذار و رمز گردان مشترک باشد؛ و سرانجام به تماس نیاز است یعنی مجرای فیزیکی و پیوندی روانشناختی میان فرستنده و گیرنده و پیام که به هر دو امکان می‌دهد ارتباط کلامی برقرار کنند و آن را ادامه دهند. (یاکوبسن، ۱۹۶۰: ۵۴) منظور یاکوبسن از رمز، نظامی از هنجارها و قواعد زبانی است که اثر بر اساس آن شکل می‌گیرد و درک خواننده از اثر از طریق آشنایی با این قواعد و نشانه‌های زبانی مشترک صورت می‌گیرد. پیام نیز در این الگوی ارتباطی فقط معنا نیست، بلکه صورت زبانی اثر ادبی است. ناگفته نماند که «پیام» به تنهایی نمی‌تواند معنی کنش را تفهیم کند. بخش زیادی از ماحصل ارتباط به سایر عوامل ارتباطی بر می‌گردد. یاکوبسن شش عنصر تشکیل دهنده فرایند ارتباط یعنی: «گوینده، مخاطب، مجرای ارتباطی، رمز، پیام و موضوع» را تعیین کنندهٔ نقشهای زبان میدانند. این شش جزء فرایند ارتباط، تعیین کنندهٔ کارکردهای ششگانه‌ای برای زبان است. در کارکرد عاطفی، جهتگیری پیام به سوی گوینده است. در کارکرد کنشی، جهتگیری به سوی مخاطب است. در کارکرد ارجاعی، جهتگیری پیام به سوی موضوع و زمینهٔ پیام در کارکرد فرازبانی جهت‌گیری به سوی رمز و در کارکرد همدلی، جهتگیری به سوی ایجاد تماس و سرانجام در کارکرد ادبی، جهتگیری پیام به سوی خود پیام است. از میان این عناصر، پیام، فرستنده و گیرنده مورد نظر اغلب نظریه پردازان قرار گرفته است؛ مثلاً رمانتیکها به نویسنده، پدیدارشناسان به خواننده و فرمالیست‌ها به خود اثر توجه ویژه‌ای دارند.

۵- ارتباط

ارتباط از موضوعات مورد توجه زبان شناسی و رشته‌های گوناگون علوم انسانی و اجتماعی است و تعاریف متعددی برای آن ارائه شده است. شاید ارسطو فیلسوف یونانی، نخستین کسی باشد که دربارهٔ ارتباط سخن گفته است. او در کتاب ریطوریکا در این مورد می‌گوید: «ارتباط عبارت است از جستجو برای دست یافتن به کلیهٔ وسایل و امکانات موجود، برای ترغیب و اقناع دیگران» (محسنیان راد، ۱۳۶۸: ۴۳). بسیاری از تعاریفی که برای ارتباط بیان شده تا حدودی تحت تأثیر نظریهٔ ارسطو است که بر تأثیرگذاری تأکید کرده است. به عنوان نمونه، کلود شرن در کتاب نظریه‌های ریاضی ارتباط می‌نویسد: «ارتباط عبارت است از تمام روش‌هایی که از طریق آن ممکن است، ذهنی برای ذهن دیگر تأثیر بگذارد؛ این عمل نه تنها با نوشته یا صحبت کردن؛ بلکه حتی با موسیقی، هنرهای تصویری، تئاتر، باله و عملاً تمام رفتارهای انسانی عملی است» (همان، ۴۴)؛ بنابراین، ابزارهای ارتباط بسیار گوناگون‌اند. آدمیان نه تنها به وسیلهٔ نظام زبان و ابزارهای اساسی آن؛ یعنی گفتار و نوشتار، بلکه به یاری اشارات اندام بدن، نظام پوشاک، نظام خوراک، نظام نشانه‌های فرهنگی - از سیمایچه‌های «اقوام ابتدایی» تا نظام نقاشی تجریدی معاصر - با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند (احمدی، ۱۳۷۰: ۱۲). در سال ۱۹۶۰ رومن یاکوبسن الگویی از ارتباط گفتاری بین فردی ارائه کرد که از الگوی ارتباطی اصلی فراتر رفت و بر اهمیت رمزگان و بافتهای اجتماعی درگیر صحنه گذاشت. یاکوبسن ذکر میکند که اثربخشی یک ارتباط گفتاری، وابسته به استفاده از یک رمز مشترک توسط افراد سهیم در این ارتباط است. (چندلر، ۱۳۸۷)

۵-۱- کارکرد ارجاعی^۱

اگر جهت گیری «پیام» به طرف «زمینه» باشد، کارکرد «ارجاعی»، «صریح» یا «ادراکی» دارد. زمینه یا بافت چیزی شبیه به مصداق است؛ «وضعیتی که گفته دربارهٔ آن است» (اسکولز، ۱۳۷۹: ۵۹). کارکرد ارجاعی شالودهٔ هر نوع ارتباطی است و روابط میان پیام و موضوعی را که پیام به آن ارجاع می‌دهد، مشخص می‌کند و هدف اساسی آن «فرمول بندی اطلاعات حقیقی، عینی، قابل مشاهده و اثبات پذیر در باب مرجع پیام است» (گیرو، ۱۳۸۰: ۲۰). در بیشتر پیامهایی که به بافت زبانی و برون متنی اشاره دارند، نقش ارجاعی غالب است. در این کارکرد زبانی عامل «موضوع» بر دگر عوامل ارتباط زبانی برتری دارد. وقتی از موضوعی قابل درک سخن می‌گوییم و قصدمان انتقال مفاهیم خاصی به مخاطب است، با نقش ارجاعی زبان مواجهیم؛ به این معنا که همه ی عناصر و اجزای یک جمله در جهت تبیین و توضیح موضوع مورد بحث، ترکیب می‌شوند و شنونده را به موضوع اصلی ارجاع می‌دهند. در این نقش، زبان به واسطه ی گوینده برای انتقال گزاره‌هایی درباره ی جهان به شنونده به کار می‌رود. (صادقی، ۱۳۸۹: ۱۹۹). یاکوبسن معتقد است که پیام برای اثربخشی نیاز به یک بافت دارد. این کارکرد روابط میان پیام و موضوعی که پیام به آن ارجاع می‌دهد را مشخص میکند (گیرو، ۱۳۹۲). امبرتو کوکو معتقد است ارجاع در معماری لزوماً فیزیکی نیست. کارکرد اساسی نقش ارجاعی، جلوگیری از بروز هرگونه درهم آمیزی نشانه و شی و ممانعت از در آمیختن پیام و پیام رمزپردازی شده است. (گیرو،

1 - Referential function

۱۳۹۲: ۲۰). به اعتقاد اکو توصیف ما بر نشانه مبتنی است بر معنای رمزگذاری شده که در یک موقعیت فرهنگی مشخصی به یک حامل نشانه نسبت داده شده است. در واقع اشاره به «زمینه فرهنگی اجتماعی» از دیدگاه امبرتو اکو جایگزین اشاره به «موضوع» یا کوبسن میشود. اینکه پیام به چه موضوعی جهت گیری می‌نماید مبتنی بر قراردادهای فرهنگی و میراث فکری هر گروه و دوره تاریخی است که با جهان بینی‌ها و ایدئولوژی‌های همسوی خود تعیین می‌شوند. اکو معتقد است که با گذر از گروه انسانی به گروه دیگر، با توجه به زمینه فرهنگی اجتماعی و گذر ما ممکن است نشانه دچار زوال، بازیابی و جایگزینی های گوناگونی شود. (وفایی، ۱۳۹۷)

در حفاظت معماری ارجاع بصورت برون متنی پیام می‌باشد یعنی ارجاع مستقیم به حقیقت دارد. در حفاظت بانقش حفظ پیام سعی در ارجاع صحیح و دقیق می‌باشد این ارجاع به زمینه معمولا تاریخی است. پیام مستتر در متن معماری با ارجاع به زمینه تاریخی قابل فهم است و حفاظت سعی می‌کند با بیطرفی، معنای متن را دگرگون نکند و راه درک نشانه های تاریخی را بازنگه دارد. در تاکید قراردادن بر روی زمینه تاریخی - فرهنگی پیام معماری، معمولا مرمتگر هدف صریح و روشن دارد و این خصیصه این متدولوژی قابل فهم بودن و برگشت به عقبه قابل پیگیری می‌باشد. مخاطب در این جهت گیری معمولا با ارجاع به بستر شکل گیری معماری، حفاظت را می‌فهمد و زمینه بعنوان نقشه راهنما در دست مخاطب، راهنمای پیدا کردن گنج پیام است. حداقل دخالت بعنوان یکی از اصول پایه ای حفاظت مدرن دقیقا در راستای حفظ مجرای ارجاعی پیام می‌باشد تا راه خوانش با مرمت بسته نشود و ارجاع اثر تاریخی با دخالت مخدوش نگردد. مرمت مدرن با صریح بودن بخش مرمتی از بخش غیرمرمتی و ادراک بصری محدوده مرمتی وفاداری خود را به پیام اصلی، نشان میدهد و می‌کوشد تا با کمک رجوع به زمینه تاریخی- فرهنگی از آدرس غلط دادن به مخاطب پرهیز نماید. حفظ اصالت یکی از اهداف ارجاع پیام به سمت زمینه می‌باشد چون هر چه اثر اصیل تر و بکرتر باشد پیام اصلی در ترکیب با زمان دست نخورده تر و روشن تر است. توانبخشی و استحکام بخشی و بازپیرایی نشانه های تاریخی بعنوان نمونه هایی از خروجی های این نوع حفاظت بوده که با تأکید بر ارجاع تاریخی بوجود می‌آید. مرمت تکمیلی با استفاده از مدارک تاریخی نیز از روش های حفاظتی در جهت شبیه سازی تاریخی بوده هر چند تمام وجوه و ساختمانی های آن در برگشت تاریخی به مخاطب کمک نمی‌کنند.

جدول ۱- کارکرد ارجاعی (ماخذ: نگارنده)

کارکرد ارجاعی		
حفاظت	معماری	کلام
عامل: زمینه تاریخی معماری	عامل: زمینه فرهنگی اجتماعی	عامل: موضوع
هدف: نشان دادن فرم و محتوا اصیل را با ارجاع تاریخی	هدف: درک و تعریف درست ماهیت نشانه از طریق زمینه	هدف: نشان داد موضوع، محتوا و مضمون پیام
عامل نقش ارجاعی در حفاظت معماری زمینه تاریخی بنا می‌باشد تا دخالت، حداقل فعالیت را در تخطه اصالت داشته باشد و مخاطب با ارجاع تاریخی به پیام ودیعه نهاده شده در اثر برسد.		

۵-۲- کارکرد عاطفی^۱

اگر جهت گیری پیام به سوی گوینده باشد، «نقش عاطفی» نامیده می‌شود. این نقش زبان، تأثیری از احساس خاص گوینده را به وجود می‌آورد، خواه آن احساس را داشته باشد، خواه وانمود کند که چنین احساسی را دارد. نگرش گوینده درباره آن چه بیان می‌کند در کارکرد «عاطفی» یا کارکردی که «زبان حال» گوینده است، تجلی می‌یابد. (یاکوبسون، ۱۳۶۹: ۷۸). این کارکرد روابط میان «پیام» و «فرستنده» را رقم می‌زند. هنگامی که ما ارتباط برقرار می‌کنیم، اندیشه‌هایی را درباره ماهیت مرجع پیام بیان می‌کنیم که مربوط به کارکرد ارجاعی است؛ اما در عین حال می‌توانیم نگرش خود را نسبت به موضوع هم ابراز کنیم و بگوییم که آن پدیده به نظر ما خوب یا بد، زشت یا زیبا، مطلوب یا منفور است. «ولی نباید تجلی خود انگیزه احساسات، شخصیت، خاستگاه اجتماعی و غیره را با استفاده‌ای که می‌توان به منظور ارتباط از آن‌ها کرد، یکسان قلمداد کنیم» (گیرو و ۱۳۸۰: ۲۱-۲۰). نویسنده در واژانه (شمای ارتباطی) با دیگری به هم آئی می‌رسد و دنیای اطراف را در چیدمان به خصوصی به تصویر می‌کشد، این تصویر حامل معنا و دلالت است؛ و می‌بایست بیانگر اندیشه ای و گفتمانی باشد؛ لذا به جز در مواردی ما کمتر شاهد جهت گیری پیام به سمت گوینده هستیم. اگر احساس و عاطفه‌ای در واژانه (شمای ارتباطی) منتقل می‌شود حاصل فراروی از من خصوصی و پرداختن به من های اجتماعی و انسانی است. در واقع در واژانه سوئزکنیوتیه در مرکز پیام نیست بلکه از فردیت خود فراروی می‌کند و عواطف انسانی را در قالب تصویر به نمایش می‌گذارد. (احمدی، ۱۳۹۷). یاکوبسن معتقد است این کارکرد روابط میان پیام و

1- Emotive function

فرستنده را رقم می زند عامل نقش عاطفی در زبان فرستنده است. در معماری نمیتوان تنها معمار را به عنوان فرستنده در نظر گرفت، معمار به واسطه رمزگان های معماری اطلاعاتی در مورد رویکرد خود به مخاطب میدهد. این رمزگا های بسیار پیچیده، وابسته به زمانه و موقت اند. (اکو، ۱۳۹۶: ۲۷۷)؛ به عبارت دیگر بعد از معمار، بنا به عنوان فرستنده و از طریق رمزگان های معماری اطلاعاتی در مورد خود به مخاطب میدهد؛ مثلا فرم عناصری از مسجد موقت و وابسته به زمان می باشد و حاکی از رمزگان آن است. هنگامی که ما به وسیله زبان یا به هر شیوه دلالتی دیگر، ارتباط برقرار می کنیم، اندیشه هایی را در باب ماهیت مرجع پیام بیان میکنیم (گیرو، ۱۳۹۲: ۲۰).

درحفاظت معماری هنگامی که تأکید بر روی فرستنده پیام (معمار سازنده) قرار گیرد، نگاه به فرستنده ارجاعی می گردد بدین گونه که در بعضی مرمت ها بدلیل فقدان اطلاعات معماری به شخص سازنده برگشت داده میشود وبا رویکرد مطالعات تطبیقی در آثار پدیدآمده فرستنده به مرمت پرداخته میشود. در این وادی شخص معمار در ابتدا و آثار خلق شده معمار در مرحله بعد بعنوان منبع فرستنده بوده وبا نگاه بینا متنی بین خالق و مخلوق به کدهای معماری دست پیدا خواهیم کرد که مشعل مرمتگر درحفاظت خواهد بود. در این تأکید گذاری بر روی فرستنده، حفاظت به سوی مرمت تطبیقی پیش خواهد رفت و نگاه حفاظت ارجاعی-تاریخی خواهد بود. بیوگرافی خالق و کروئولوژی بنا در این حفاظت برجسته میشود وحفاظتگر دروادی مطالعات تطبیقی بین معمار واتر و بین اثربا آثار دیگر درحال پرسه زدن می باشد. بادر نظر گرفتن اینکه معماری پروسه است از دنیای ذهن به دنیای عینیت، درتاکیدگذاری روی معمارسازنده پیام کارکردی هنری-احساسی پیدا می کند. در حفاظت که حرکت از دنیای عینیت به ذهنیت است نقش فرستنده پیام (سازنده) در این پروسه پررنگ میشود و شناخت شناسی که از فرستنده شروع گردد با توجه به ترکیبی بودن پیام های آن اعم از ضمنی -صریح یا احساسی- منطقی بیشتر به سمت و سوی پیام های عاطفی پیدا می کند. این دوگانگی پیام فرستنده همیشه درجهت تکمیل یکدیگر بوده ومسیرشناخت راهموار می نماید.

جدول ۲- کارکرد عاطفی (ماخذ: نگارنده)

کارکرد عاطفی		
کلام	معماری	حفاظت
عامل: فرستنده	عامل: رمزگان های معماری	عامل: معمار یا آثار (رمزگان) خلق شده دربسترزمانی- مکانی توسط معمار یا معماران هم دوره
هدف: نشان دادن احساس خاص گوینده	هدف: نشان دادن نظر و احساس و دید معمار نسبت به مسئله ای ویا نشان دادن پاسخی منحصر بفرد به پاسخی	هدف: بیوگرافی معمار ومقایسه تطبیقی بین اثر با آثار دیگر موجود معرفتی درحفاظت می گردد که درجهت رفع نواحی کمبود می باشد
عامل نقش عاطفی در معماری شامل سه نوع رمزگان تکنیکی، نحوی ومعنایی است. درحفاظت نقش عاطفی شامل کدهای تکنیکی، نحوی و معنایی معماری و شخص معمار می باشد.		

۵-۳- کارکرد کنشی^۱

این کارکرد- که کنایی، کوششی و ترغیبی نیز ترجمه شده است- روابط میان «پیام» و «گیرنده» را مشخص می کند. هدف چنین پیام هایی آگاه کردن مخاطب به موقعیت زندگی اش و ایجاد واکنش هایی در او است. این کارکرد «عقل گیرنده یا احساس او را آماج خود قرار می دهد» (گیرو، ۱۳۸۰: ۲۱). کارکرد کنشی «بارزترین تجلی خود را در دستور زبان بصورت ندایی و وجه امری می یابد» (یاکوبسن، ۱۳۶۹: ۷۹). هنگامی که جهت گیری پیام به سمت مخاطب باشد، نقش ترغیبی زبان غالب است. جملات امری، ندایی و دعایی بارزترین نمود این کارکرد محسوب می شوند. در کنار این همچنین بسیاری از جملات خبری که به قصد ترغیب بیان می شوند؛ نقش ترغیبی دارند هنگامی که هدف از کلام جلب مشارکت گیرنده (مخاطب یا خواننده) یا بر انگیزختن وی باشد، نقش انگیزشی یا ترغیبی زبان تحقق می یابد. این کارکرد زبان در تبلیغات نقش مهمی دارد. (گیرو، ۱۳۸۰: ۲۱). فرستنده پیامی را برای گیرنده می فرستد زیرا هدف هرگونه ارتباطی ایجاد واکنش نزد گیرنده است. (گیرو، ۱۳۹۲) هدف برقراری ارتباط در معماری، کارکرد آن است که به نحوی به مخاطب تأکید می گردد حامل کارکرد یا معنای صریح به وسیله حامل نشانه در نزد مخاطب مورد تأکید قرار می گیرد. در معماری نقش ترغیبی به رابطه بین عنصر معماری و کاربرد آن می پردازد. در واقع فرم معماری بر اساس انتظارات مرسوم، به آن کارکرد دلالت می کند و وقتی آن انتظارات و عادت ها برآورده نشود، به شی کارکرد دیگری تحمیل میشود. شاید یک معمار بتواند خانه ای بسازد که با هیچ رمز معماری موجود همخوانی نداشته باشدو شاید این خانه شکلی دلخواه وکارکردی از سکونت میسر سازد، اما پرواضح است که من نخواهم توانست همانگونه که مدنظر بوده در آن سکونت کنم مگر اینکه دستورالعمل هایی برای نحوه سکونت در ساختمان تعبیه شده باشد یا من خانه را به مثابه بافتی از نشانه ها که به رمز آشنایی دلالت

1 - Conative function

میکنند تعبیر کنم. (اکو، ۱۳۹۶، ۲۶۰) در نتیجه رابطه میان پیام و مخاطب در معماری «کاربردی بودن کارکرد» می‌باشد و در صورتی که عنصری یا فرمی جدید خلق شود دو حالت دارد:

۱- نمی‌توان آنگونه که مدنظر بوده از آن استفاده کرد. مخاطب آنرا به‌مثابه نشانه‌هایی که به رمز، آشنایی دلالت دارند تعبیر می‌کند و کارکرد آنرا تغییر میدهد.

۲- دستورالعمل‌هایی برای نحوه استفاده از آن تعبیه شده باشد در غیر این صورت کارکرد فرم جدید ناشناخته خواهد ماند. رابطه بین مخاطب و حفاظت با توجه به عدم کاربرد بودن بعضی آثار تاریخی و داشتن نقش آموزشی و موزه‌ای، نمی‌توان آنرا صرفاً به کاربری محدود نمود. آثار تاریخی شامل کدها و رمزگان‌های متنوعی هستند که نمی‌توان آنها را بخاطر کاربری تغییر داد و باید نقش ترغیبی-کنایی نشانه‌شناسی پیام را در کاربرد درست عناصر معماری، چیدمان فضایی، فرم و هندسه درک کرد. کارکرد صحیح عناصر تاریخی در حفاظت منجر به آموزش مخاطب می‌گردد و نقش کنشی پیام محقق می‌گردد. ولی اگر در حفاظت معماری، صرفاً مخاطب و بازدیدکننده مورد توجه قرار گیرد، مرمت به سمت هرنوع کاربری و توریسم پیش خواهد رفت. نگاه صرفاً بهره‌وری مخاطب و کاربرد عناصر معماری و آرایش فضاها در خدمت احیاء اقتصادی (به‌مثابه بوم‌گردی در ایران) منجر به مرمت بازاری می‌گردد. در حفاظت معماری با توجه به حکمی بودن کارکرد ما شاهد ترکیبی از پیام‌های منطقی و احساسی هستیم و اگر پیام برشالوده مخاطب بنا شود بنابراین پیام احساسی الهام بخش کار خواهد بود. ایجاد کنش و حرکت در مخاطب یا بازدیدکننده اگر هدف قرار گیرد، حفاظت را در راهی بی‌ثبات بخاطر تغییر جامعه بهره‌ور قرار میدهد. حفاظت باید بیطرفانه فارغ از هرگونه قصد و غرضی در جهت نمایش اثر تاریخی باشد تا امانت‌دار درست پیام اثر باشد.

جدول ۳- کارکرد کنشی (ماخذ: نگارنده)

کارکرد کنشی (ترغیبی)		
حفاظت	معماری	کلام
عامل: بازدیدکنندگان و کاربرد اثر تاریخی	عامل: کارکرد صریح	عامل: گیرنده
هدف: بهره‌وری و لذت صرف مخاطب	هدف: تأکید به مخاطب و تحت تأثیر قرار دادن آن	هدف: تأکید به مخاطب
عامل نقش ترغیبی در معماری کارکرد صریح بنا می‌باشد که در فرم و هندسه بنا و عناصر معماری و روابط فضاها قابل بررسی هستند. در حفاظت معماری نقش ترغیبی، کاربرد صحیح اثر تاریخی می‌باشد و نقش توریسم در کارکرد آن بسیار تأثیرگذار است.		

۵-۴- کارکرد فرا زبانی^۱

هرگاه گوینده یا مخاطب یا هر دو احساس کنند، لازم است از مشترک بودن رمزی که استفاده می‌کنند، مطمئن شوند؛ جهت گیری پیام به سوی رمز است و کارکرد فرازبانی دارد. در چنین شرایطی زبان برای صحبت کردن درباره خود زبان به کار می‌رود و واژگان مورد استفاده شرح داده می‌شود. از نقش فرازبانی؛ بویژه در فرهنگ‌های توصیفی استفاده می‌شود. به اعتقاد یاکوبسن، گوینده و مخاطب بر سر استفاده از رمز به توافق می‌رسند و جهت گیرنده ی پیام به سوی رمز است؛ که معمولاً در تمامی زبانها، از این نوع نقش به فراوانی استفاده می‌شود. سازه ی مرکزی این نقش، رمز است: برای زبان نه به‌مثابه ی وسیله بلکه به عنوان پایان و هدف مطالع است (صادقی، ۱۳۸۹: ۲۰۷). به نظر می‌رسد، رمزی که یاکوبسن به آن اشاره می‌کند، رمز در حوزه های گوناگون زبانی و ادبی است که مهمترین آن در حوزه ی ادبیات به ویژه در حوزه ی بلاغت است؛ و مهمترین آنها عبارتند از: رمز، نماد و استعاره، گاهی خود شاعر رمزگشایی می‌کند و با انواع تشبیه به تشریح مباحث مورد نظر خود می‌پردازد. تعبیر فرازبانی، در این نوع نقش به سبب آن است که مخاطب آن افراد خاصی است؛ یعنی در حالت عادی و متعارف، کارکرد زبان برای تمامی اهل زبان است اما در نقش فرازبانی، مخاطب مشخص و محدود است. در برخی از واژه‌ها (شمای ارتباطی) که از نماد و استعاره و رمز استفاده می‌شود، نقش فرازبانی برجسته تر است؛ و نویسنده در قالب معنای دور کلمات سعی در بیان و انتقال معنا و مفهومی خاص دارد. در این نوع واژه‌ها (شماهای ارتباطی) باید به سراع معنای دور و استعاری و رمزی کلمات رفت و از آنها رمزگشایی کرد لذا در برخی از واژه‌ها نویسنده رمزی را در لابه لای کلمات قرار می‌دهد و مخاطب خاص با توانش ادبی بالا این رمزها را می‌گشاید و از متن به سبب رمزهای موجود در آن لذت می‌برد. (احمدی، ۱۳۹۷). معماری تنها مبتنی بر رمزگان‌های ملموس که معمار کارش را با آن آغاز می‌کند نیست بلکه باید رمزگان بیرون دیگری را هم لحاظ کرد و تنها با رجوع به این رمزگان بیرونی است که کاربران معانی پیام معماری جدید را تشخیص می‌دهند (اکو، ۱۳۹۶: ۲۹۰)؛ بنابراین در عمل معمار پیوسته مجبور است چیزی باشد به جز معمار. بارها و بارها باید بالا جبار تبدیل شود به یک جامعه شناس، روانشناس، مردم شناس، نشانه شناس و غیره. معمار مجبور است فرمی بیابد که بر نظام‌هایی که به آنها کنترلی ندارد شکل بخشند. او مجبور است زبانی را بیان کند که باید همیشه گویای چیزی

1- Mentalinguistic function

بیرون از آن باشد. (اکو، ۱۳۹۶: ۳۰۱). تأکید نهادن بر روی رمزگان معنایی در حفاظت منجر به مرمت مفهومی می‌گردد. در مرمت مفهومی برای درک پیام ودیعه نهاده شده در اثر با نگاه فرازبانی به تقویت پیام کمک مینماید. مرمت گر در این شمای ارتباطی نقش روشنگر فرهنگ پیدا میکند و کوشد با مطالعات فرهنگی، مفهوم حفاظت را در قالب فرازبانی ارائه دهد. حفاظتگر باید زبان بیان کدهای اثرتاریخی را حفظ کند و این مرمت تا حد ممکن ساده و بی آرایش باشد و از هندسه پیچیده در جهت ارائه حفاظت مفهومی پرهیز کند. در حفاظت مفهومی در ابتدا در جهت تثبیت معنای اثرتاریخی بوده و در گام بعد تولید معنایی در امتداد اشاعه پیام اصلی اثر می‌باشد. در این مرمت، حفاظتگر معنایی که بواسطه بعد تاریخی برای انسان امروزی ناشناخته می‌باشد را باز تولید و صیقلی می‌کند. در این نوع مرمت نه فقط وسیله حفاظت بلکه موضوع و هدف پژوهش قرار می‌گیرد و نقش آموزشی-تعلیمی آن برجسته تر می‌گردد. دامنه جامعه مخاطبان این نوع مرمت کاهش پیدا میکند و میزان کیفیت وابسته به چونی و چندی ارائه مفهوم است. استعاره و کنایه در این مرمت نقش قوی دارد و مخاطب محدود این نوع حفاظت با توانایی به پرده دری این رمزگان می‌پردازد و سطح لذت را ارتقاء می‌بخشد. دامنه حفاظت مفهومی بسیار گسترده می‌باشد ولی مفاهیمی چون حداقل دخالت، سادگی، برگشت پذیری به عنوان ترمز خیال پردازی های مرمت مفهومی عمل می‌کند.

جدول ۴- کارکرد فرازبانی (ماخذ: نگارنده)

کارکرد فرازبانی		
حفاظت	معماری	کلام
عامل: کدهای معنایی	عامل: رمزگان فرا معماری	عامل: رمزگان
هدف: تثبیت و تولید معنی در جهت شناخت اثرتاریخی	هدف: تعیین و تولید معنی	هدف: جهت گیری پیام به سوی رمز
عامل نقش فرازبانی در معماری رمزگان فرا معماری می‌باشد که شامل رمزگان های زبان های دیگر است. در حفاظت معماری عامل کدهای معنایی جدید و قدیم می‌باشد که از سویی حفظ و تثبیت و از سویی تولید و باز تولید میشود.		

۵-۵- کارکرد شعری^۱

وقتی ارتباط کلامی صرفاً به سوی پیام میل کند؛ یعنی وقتی پیام به خودی خود کانون توجه قرار می‌گیرد؛ آن موقع است که زبان کارکرد شعری یا ادبی می‌یابد یا کوبسن نقش زیبایی آفرینی شعری بطور کلی هنر را «کارکرد مسلط و تعیین کننده آن» می‌داند. (یاکوبسن، ۱۳۶۹: ۸۰) نمونه برجسته ی کارکرد زیباشناختی آن در آثار هنری دیده می‌شود. جایی که مرجع پیام، خود پیام است و این پیام دیگر ابزار ارتباط نیست، بلکه موضوع آن است. (گیرو، ۱۹۷۳: ۲۲) ایجاد زیبایی در کلام، نقش مهم و حائز اهمیت در زبان به شمار می‌آید. گوینده برای تاثیر بیشتر در کلام خود به آراستن کلام خود می‌پردازد؛ و از این نقش مدد جسته و از زبان به عنوان یک اصل زیبایی آفرین استفاده می‌کند. (باقری، ۱۳۷۳: ۱۰۵). این نقش با استفاده از الگوهای آوایی، آرایه های بدیع و بیان برجسته ی زیبایی شناسی زبان می‌افزاید؛ و توجه خواننده را به خود اثر جلب می‌کند. الگوهای آوایی و بیانی عملکرد شاعرانه ی زبان، رابطه ی معمول میان نشانه و مصداق را به هم می‌زند و برخلاف زبان ارتباطی که در آن مصداق ارزش دارد، در این عملکرد زبانی، نشانه به عنوان موضوعی استقلال می‌یابد که به خودی خود دارای ارزش است. (طالبیان و حسینی سروری، ۱۳۸۷: ۱۱۷) کارکرد ادبی زبان در واقع «نقطه» پیوند زبان شناسی و ادبیات به شمار میرود. (احمدی، ۱۳۹۷). معنا یا ارزش اولیه هر عنصر کارکرد اولیه آن است که همان معنای صریح می‌باشد. در حالتی که ممکن است کارکرد مهم ترین چیزی نباشد که پیام ارائه میکند. برای مثال وقیی به سر در یک مسجد نگاه می‌کنیم، توجه به معنای سر در جلب می‌شود که هر چند مبتنی بر کارکرد است اما کارکرد صریح یعنی سر در به منزله ورود در حاشیه قرار گرفته شده است. کادربندی و عظمت سر در به عنوان معنای ضمنی مورد توجه قرار می‌گیرد. به همین ترتیب می‌توان عناصری کاذب خلق کرد که کارکرد صریحی ندارند و فقط می‌توانند کارکرد زیبایی شناختی داشته باشند. (وفایی، ۱۳۹۷). پنجره ها می‌توانند با شکل، تعداد و نحوه استقرار خود در نمای ساختمان علاوه بر کارکرد به مفهوم خاصی از سکونت و استفاده دلالت کنند. آنها می‌توانند به ایدئولوژی کلی که معمار را در ساخت بنا هدایت کرده است اشاره ضمنی کنند. (اکو، ۱۳۹۶: ۲۵۹). در واقع هدف نقش ادبی در زبان تأکید و یا برجسته سازی بخشی از موضوع است که در معماری این امر به واسطه کارکرد نمادین عناصر معماری تحقق می‌یابد.

توجه صرف به پیام معماری، حفاظت را به سوی برجسته سازی مرمت پیش میبرد یعنی مرمتگر شیوه بیان عملی را به گونه ای بکار می‌گیرد که مخاطب را به سمت خود به زیر سایه آلاء پیام حفاظت، بکشاند. کارکرد پوئیتیک پیام با برجسته سازی عناصر کالبدی ملموس، دوگانگی نشانه ها را عمق می‌بخشد. تقویت نگاه سمبولیستی به حفاظت عناصر شاخص و نمایه نمودن المانهای

¹ - Poetic function

نمادین در جریان مرمت نیز از خروجی های رویکرد پیام به سوی پیام می‌باشد. هرچند در زبان برای برجسته سازی از هنجارگریزی وقاعده افزایی (طلعیانی، ۱۳۹۰: ۶۱) استفاده می کنند ولی درحفاظت برجسته نمایی بصورت تکنیکال می‌باشد وباتغییر درنحوه بیان معماری اثر نمایش می یابد. حفاظت در این وادی بسیار بسمت مفاهیم زیبایی شناسانه نزدیک می‌شود وجنبه آفرینش هنری آن مورد مذاقه قرار می‌گیرد. برجستگی خصلت های هنری مرمت برای تأکید قرار دادن عمل مرمت معمولا قرابت بیشتری با حفاظت مینیمال دارد وکوشش در باز ارایه یک پیام ضمنی دارد. البته باید خاطر نشان نمود که نقش ادبی-شاعرانه پیام در حفاظت همیشه محملی برای دیگر نقوش می‌باشد وهمراه دیگر نقش ها دیده می‌شود ولی نقش ادبی درآموزش حفاظت ازهمه پرنگ‌تر است و در جهت تاثیر حفاظت است.

جدول ۵- کارکرد فرازبانی (ماخذ: نگارنده)

کارکرد ادبی		
حفاظت	معماری	کلام
عامل: کارکرد سمبولیستی	عامل: کارکرد نمادین	عامل: پیام
هدف: تأکید برفرمی خاص یا پیامی خاص	هدف: تأکید یا برجسته سازی بخشی از موضوع	هدف: آفرینش زیبایی وایجادلذت درمخاطب والقای موثرپیام، جهت گیری پیام به سوی خودپیام
عامل نقش ادبی درمعماری کارکرد نمادین می‌باشد که درصورت درحاشیه قرارگرفتن معنای صریح وظهور معنی ضمنی تحقق می یابد. درحفاظت نقش شاعری بواسطه عملکرد سمبولیستی ظهور می یابد. نقش آموزشی حفاظت در این شمای ارتباطی با برجسته سازی تقویت می گردد که با عناصر بیانی معماری عرضه می‌شود.		

۵-۶- کارکرد همدلی^۱

هدف اصلی برخی از پیام‌ها این است که ارتباط را برقرار کنند، ادامه دهند یا آن را قطع کنند، بعضی دیگر برای حصول اطمینان از عملکرد مجرای ارتباط است. هرگاه جهتگیری پیام به سمت تماس (مجرای ارتباطی) معطوف شود، کارکرد همدلانه تحقق می یابد. به طور کلی باید گفت هدف از ایجاد ارتباط در این کارکرد برقراری، تداوم یا قطع ارتباط است. (سلدون، ۱۳۷۲: ۷-۸) شاعر معمولا از طریق ارتباط همدلانه می خواهد افراد و مخاطبانی که همفکر و همدل او هستند، پیدا کند؛ و با آنها همدلی نماید. شکل گیری اتحاد و همدلی نیازمند توجه و تمرکز بر فضایل اخلاقی و ارزش هایی است که شالوده ی نگرش انسان دوستانه را بین افراد فراهم نمود؛ و آنان را برای روابطی صلح جویانه متعهد می گرداند. (محمدی، ۱۳۸۰: ۳۳۳) یکی از مهمترین راهکارهای دستیابی به همدلی، توجه به اوامر الهی و دستورات پیامبر است. (احمدی، ۱۳۹۷) به اعتقادامبرتو آکو فرد به واسطه آموخته های قبلی مدلی را در ذهن خود مطرح میکند و به وسیله آن ارتباط برقرار می‌کند. انسان اولیه درآغاز غاری می یابد برای سرپناه، سپس به کشف آن می پردازد این چنین ایده غار شکل می‌گیرد. وقتی باد و باران بیاید به او یادآوری می‌کند که آن غار گزینه ای است برای در امان ماندن ... همچنین این ایده او را قادر می‌سازد تا وقتی غار دیگری را هم دید مفهوم پناهگاه به ذهنش متبادرشود. (آکو، ۱۳۹۶: ۲۵۰). ارتباط در معماری می‌تواند به دو صورت شکل بگیرد: ارتباط به صورت مستقیم؛ به محرک هایی که یاد می‌گیریم به آنها پاسخ دهیم؛ مانند گنبد که به خاطر تکرار آن در کاربریهای مذهبی، نوع خاصی از فعالیت در ذهن مان صورت می‌گیرد و یا پله که در گذشته یاد گرفته ایم به خاطر فرم اش به‌مثابه بالا رفتن است. ارتباط غیرمستقیم: برخی از محرک ها چون جزئی از محیط شده اند و کارکرد مصنوعات بشری را دارند به اثر ارتباطی آنها پاسخ می دهیم؛ مانند سقف که ساختمان را از آب وهوای نامساعد محفوظ می‌کند و به اثر ارتباطی آن مثل آرامش پاسخ می دهیم.

درمقوله حفاظت بناهای تاریخی برقراری ارتباط بخاطر عمری که از پیام گذشته ومتروک شدن مجرای ارتباطی، سخت است ولی از سوی دیگر با توجه به اینکه یک معماری بر اساس نیازهای مشترک فرازمانی انسانی پدید آمده اند، باعث ایجاد ارتباط وهمدلی بینا زمانی می‌گردد. هم ذات پنداری با انسانهای گذشته که درپی رفع نیازی یک نوع از معماری را بوجود آورده اند سبب خلق یا باززنده سازی مجاری ارتباطی می گردد ودرنهایت باعث حفاظت میشود. اگر درحفاظت تأکید برتماس وارتباط باشد مرمت به سوی بازپیرایی فرم های تثبیت شده درخاطره مشترک بومی یک فرهنگ حرکت می‌کند. برگرداندن کاربری تاریخی اثر نیزدرقلمرو کارکرد همدلانه تقویت می‌گردد. افزایش پتانسیل بوم نشانه‌شناسی درویکرد نشانه‌شناسی فرهنگی حفاظت را به سوی جامعه شناسی بومی سوق میدهد. تاثیر جامعه اخلاق مدار درکارکرد همدلانه حفاظت پرنگ میشود وحفاظت بگونه پراتیک هویتی تشخیص می یابد. حفظ رسانه معماری و نقش اتحادی آن درجهت خشوع دربرابر دستورات الهی مورد تأکید قرار می‌گیرد. ادراک

1- Phatic function

تسهیل شده برای مخاطب و صمیمیت در نحوه برقراری برای بازدید کننده این جهت گیری حفاظت را شامل می‌شود. تأکید قرار دادن بر روی مقوله ارتباط در حفاظت، مرمت را بسوی سادگی قابل فهم برای همه پیش میبرد بگونه ای که خوانایی بعنوان یکی از اصول پایه ای حفاظت مورد پذیرش تمامی فرهنگ‌های بشری می‌باشد. حفاظت با جنبه همدلی پیام، نقش خطیر حفاظت را بعنوان گسترش روابط صلح جویانه و گفتگوی بین تمدنی را یادآور می‌شود.

جدول ۶- کارکرد فرازبانی (ماخذ: نگارنده)

کارکردهمدلی		
حفاظت	معماری	کلام
عامل: رسانه ارتباطی معماری	عامل: ابزار برقراری ارتباط	عامل: مجرای ارتباطی
هدف: ارتباط با بازدید کننده و سپس گفتگوی بین نسلی، خوانایی و سادگی در مرمت	هدف: برقرار کننده یا ادامه دهنده ارتباط موجب اطمینان از تداوم یا قطع ارتباط	هدف: ایجاد ارتباط، اطمینان از تداوم یا قطع آن است. جلب توجه مخاطب
عامل نقش همدلی در معماری ابزار برقراری ارتباط می‌باشد که به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم ظاهر می‌شود. برقراری ارتباط با مخاطب در راستای شناخت پیشینیان و دیالوگ بین نسلی از طریق بنای تاریخی در کارکرد همدلی پیام حفاظت دیده می‌شود.		

نتیجه گیری

می‌توان کارکردهای کلامی را این گونه خلاصه کرد: مرجع پیام در کارکرد ارجاعی زمینه بحث؛ در کارکرد کنشی، گیرنده پیام و در کارکرد عاطفی، فرستنده آن است. در کارکرد همدلانه مرجع پیام، تماس و خود ارتباط است. مرجع پیام فرازبانی، رمزگان مورد استفاده و مرجع پیام شعری، خود پیام است. با توجه به اینکه بناهای میراثی در گذر زمان ارتباط خود را از دست داده اند پس می‌توان گفت در وادی نخست حفاظت برای برقراری ارتباط شکل می‌گیرد. این ارتباط با توجه به اینکه اثر تاریخی دچار تحولات معنایی شده و دیالوگ بین مخاطب و اثر از بین رفته، اولین قدم در حفاظت می‌باشد. ارتقای سطح ارتباط از طریق تأکید نهادن بر روی مسیر ارتباطی راه را برای حفاظت هموار می‌کند. این تأکید گذاری بروی بناهایی که قدمت بیشتری دارند، مهمتر می‌باشد و ارتباط برقرار کردن با اثر سختتر می‌گردد. پس از برقراری ارتباط بسته به نوع مرمت بر روی یکی از جنبه های ارتباط تأکید میگردد و نوع حفاظت را کارکرد شمای ارتباطی مشخص می‌کند. هر چند در یک مرمت می‌توان شاهد چند نوع کارکرد نیز بود ولی معمولاً یکی از محورهای ارتباطی قویتر بوده و سردمدار دیگر شمای ارتباطی می‌باشد. در حفاظت به لحاظ اینکه تاریخ، مشخصه و فلسفه وجودی بناهای میراثی می‌باشد بنابراین کارکرد ارجاعی، مهمترین عملکرد ارتباط است و رویکرد پیام به سوی موضوع و زمینه اثر موجب خصلت ارجاعی پیام می‌گردد. برگشت به زمینه شکل گیری اثر و بررسی موضوع در بستر پدیداری اثر موجب شناخت پیام اثر و در نهایت حفاظت دقیقتر می‌گردد. اصالت بعنوان شاخصه بناهای تاریخی در کارکرد ارجاعی نقش پررنگ بازی می‌نماید و هر چه بنا اصیل تر و دست نخورده تر باشد، برگشت به زمینه برای ادراک پیام اثر موفقتر و سهل تر است. ضمناً باید اشاره کرد که نگاه ارجاعی به زمینه نیز، اصالت راشکل می‌دهد. مرمت تاریخی-استنادی که بر اساس اسناد و مدارک تاریخی بوجود می‌آید تنها بر اساس این رویکرد بوجود می‌آید هر چند در مرمت‌های دیگر نیز بکار گرفته میشود. کارکرد عاطفی پیام و بیان احساسات معمار در حفاظت نقش کمتری دارند ولی بررسی بیوگرافی سازنده و مطالعات تطبیقی در آثار بوجود آورنده سازنده در حفاظت و شناخت اثر تاریخی تأثیر گذار است. در مرمت بناهای تاریخی، کارکرد عاطفی پیام در زیر سایه کارکرد ارجاعی قرار می‌گیرد و این کارکرد در قلمرو شناخت شناسی بنای تاریخی می‌باشد. جریان عمده حفاظت در ایران امروز بر اساس تأکید بر مخاطب شکل گرفته و بر اساس نقش توریسم و مخاطب سازمان می‌یابد. کارکرد ترغیبی که با نگاه به مخاطب سعی در جلب توجه آن دارد، متدولوژی مرمت بازاری را شکل می‌دهد. این رویکرد بعنوان عملیاتی ترین حفاظت، در بعضی مواقع بدون توجه به کارکرد های دیگر دست به اقدام میزند و راه را بر روی فهم درست پیام حفاظت می‌بندد. نظریه احیاء اقتصادی و مشارکت اثر تاریخی در پویایی اقتصادی منجر به کارکرد کنشی ارتباط می‌گردد. کارکرد فرازبانی معمولاً در قلمرو حفاظت دارای کمیت نمیشد و با تأکید قرار دادن بر روی کدهای معنایی، مرمت مفهومی را بوجود می‌آورد. با توجه به اینکه در جریان عملیات حفاظت این اقدام به صورت خودکار به وقوع می‌پیوندد ولی در تأکید گذاری صرف بر رمزگان معنایی نوعی خاصی از مرمت را پیش میکشد که معمولاً مخاطبان خاص و شامل بناهای بخصوصی می‌باشد. حفاظت مفهومی در دوران متاخر بیشتر مورد توجه جامعه آکادمیک حفاظت قرار گرفته و سطح بالاتری از دانش حفاظت را ارائه می‌دهد. کارکرد شعری با تأکید نهادن بر روی خود پیام در حفاظت به سوی مرمت هنری پیش میرود. با در نظر گرفتن اینکه مرمت مدرن نسبت به مرمت سنتی (تعمیر، بازسازی، مرمت تکمیلی و...) دارای کارکردی شاعرانه تر است ولی در حفاظت هنری معمولاً با بکارگیری برجسته سازی باهدفی خاص و تأکید بر معنای حفاظت، راه خود را از دیگر مرمت ها جدا میکند. این نوع حفاظت به همراه مرمت

مفهومی با بکارگیری مفهوم «حداقل دخالت» حفاظت مدرن را به سمت کم عملیاتی ترین مرمت پیش میبرند. در نهایت نقش ارجاعی پیامودر زیرسایه آن نقش عاطفی از خصلت و ویژگی های برجسته در شمای ارتباطی است که توانسته، مخاطب را به حقیقت هایی بیرون از متن اثر میراثی ارجاع دهد. نقش همدلانه، زمینه ساز ابتدای شمای ارتباطی و نقش کوششی-کنشی پرتفردترین و عملیاتی ترین در شمای ارتباطی است. نقش های فرازبانی و شعری با مظلومیت در انتهای شمای ارتباطی قرار می گیرد ولی معنی و مفهوم حفاظت را بگونه امانت دارانه به نسل بعد تحویل میدهد.

جدول ۷- نقش های شش گانه شمای ارتباطی یا کوبسن در پیام حفاظت معماری (بر گرفته از گیرو، ۱۳۹۲)

شرح	هدف در حفاظت	عوامل ارتباط گفتاری در حفاظت	نقش های ارتباطی زبان
عامل نقش ارجاعی در حفاظت معماری زمینه تاریخی بنا می باشد تا دخالت، حداقل فعالیت را در تخته اصالت داشته باشد و مخاطب با ارجاع تاریخی به پیام ودیعه نهاده شده در اثر برسد.	نشان دادن فرم و محتوا اصیل با ارجاع تاریخی	زمینه (موضوع)	کارکرد ارجاعی
در حفاظت نقش عاطفی شامل کدهای تکنیکی، نحوی و معنایی معماری و شخص معمار می باشد که اطلاعاتی درباره فرستنده را به ما می دهد.	بیوگرافی معمار با اثر و مقایسه تطبیقی بین اثر با آثار دیگر موجود معرفتی در حفاظت می گردد که در جهت رفع نواحی کمبود می باشد	فرستنده (معمار)	کارکرد عاطفی
در حفاظت معماری نقش ترغیبی، کاربرد صحیح اثر تاریخی می باشد و نقش توریسم و بازدید کننده در کارکرد آن بسیار تاثیر گذار است.	بهره وری و تأکید صرف بر مخاطب	گیرنده (مخاطب)	کارکرد کنشی
در حفاظت معماری عامل کدهای معنایی جدید و قدیم می باشد که از سویی حفظ و تثبیت و از سویی تولید و باز تولید میشود.	تثبیت و تولید معنی در جهت شناخت اثر تاریخی	رمزگان (کدهای معماری)	کارکرد فر زبانی
نقش حفاظت در این شمای ارتباطی با برجسته سازی تقویت می گردد که با عناصر بیانی معماری عرضه می شود.	تأکید بر فرمی خاص یا پیامی خاص	پیام	کارکرد شعری
برقراری ارتباط با مخاطب در راستای شناخت پیشینیان و دیالوگ بین نسلی از طریق بنای تاریخی در کارکرد همدلی پیام حفاظت دیده میشود.	ارتباط با بازدید کننده و سپس گفتگوی بین نسلی، خوانایی و سادگی در مرمت	مجرای ارتباطی (رسانه)	کارکرد همدلی

منابع

- ۱- اکو، امبرتو، کارکرد و نشانه: نشانه شناسی معماری، در نشانه شناسی (مقالات کلیدی)، توسط امیر علی نجومیان، با ترجمه محمد رجب پور، ۲۴۷ - ۳۰۶، انتشارات مروارید، تهران، ۱۳۹۶
- ۲- ایزدی، نشر ثالث، تهران. اکو، امبرتو، (۱۳۸۷)، نشانه شناسی، ترجمه پیروز
- ۳- احمدی، بابک، (۱۳۹۱)، از نشانه های تصویری تا متن، با ترجمه محمد نبوی، نشر مرکز، تهران،
- ۴- احمدی، بابک، (۱۳۸۰)، ساختار و تأویل متن، نشر مرکز، تهران
- ۵- احمدی، بابک، (۱۳۸۰)، ساختار و هرمنوتیک، گام نو، تهران
- ۶- یاکوبسن، رومن (۱۳۸۰) زبان شناسی و شعر شناسی، ترجمه کوروش صفوی، تهران، هرمس
- ۷- گیرو، پیر (۱۳۹۲) نشانه شناسی، ترجمه محمد نبوی، تهران، آگاه
- ۸- سلدون، رامان (۱۳۷۲) راهنمای نظریه های ادبی معاصر، ترجمه عباس مخبرف، تهران، طرح نو
- ۹- صفوی، کوروش، (۱۳۸۳) از زبان شناسی به ادبیات، تهران، سوره ی مهر
- ۱۰- پیر، چارلز سندر، ۱۳۸۱، منطق به مثابه نشانه شناسی: نظریه نشانه ها، تدوین توسط فرزانه سجودی، زیباشناخت (۶): ۵۱ - ۶۳
- ۱۱- چندلر، دانیل، (۱۳۸۷)، میانی نشانه شناسی، ترجمه مهدی پارسا، انتشارات سوره مهر، تهران
- ۱۲- فلامکی، محمد منصور، (۱۳۹۱)، اصل ها و خوانش معماری ایرانی، نشر فضا، تهران

- ۱۳- فلامکی، محمدمنصور، (۱۳۸۵)، تکنولوژی مرمت، نشر فضا، تهران
- ۱۴- فلامکی، محمد منصور، (۱۳۷۴)، بازنده سازی بناها و شهرهای تاریخی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران
- ۱۵- یوکیلهتو، یوکا، (۱۳۸۶)، تاریخ حفاظت معماری، ترجمه محمد حسن طالبیان و خشیار بهاری، انتشارات روزنه، چاپ اول.
- ۱۶- حبیبی، سید محسن و مقصودی، ملیحه، (۱۳۸۱)، مرمت شهری، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- ۱۷- محمد آهی، مریم فیضی، (۱۳۹۲) نقش‌های شش‌گانه ی زبانی در ادبیات تعلیمی با تکیه بر یکی از قصاید سنایی، نشریه علمی - پژوهشی، پژوهشنامه ی ادبیات تعلیمی، سال ۵، شماره ی ۲۰
- ۱۸- نبی لو، علی رضا (۱۳۸۷) بررسی دیدگاه‌های زبانی و ادبی سنایی (در چارچوب نظریه ی یاکوبسن) فصلنامه ی پژوهش‌های ادبی، سال ۶ شماره ی ۲۲
- ۱۹- آقابابایی، سمیه و کورش صفوی، ۱۳۹۵. "بررسی ساختار ادب غنایی از دیدگاه زبان‌شناسی با تکیه بر نظریه نقش‌های زبانی یاکوبسن. متن پژوهی ادبی (۶۹)، ۷- ۳۴
- ۲۰- طالبیان، یحیی و حسینی سروری، نجمه (۱۳۸۷) مدایح سبک خراسانی و گرایش به قطب مجازی زبان با استناد به شعر منوچهری، فصلنامه پژوهش‌های ادبی، تهران، انجمن زبان و ادبیات فارسی، سال ۵، شماره ی ۲۱
- ۲۱- طفیانی، اسحاق و صادقیان، سمیه (۱۳۹۰)، هنجارگریزی در مجموعه ی شعر از ابن اوستا، ادبیات پارسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی، شماره اول
- ۲۲- وفایی، سیدمسعود، (۱۳۹۷)، عوامل مؤثر بر ارتباط و نشانه‌شناسی در معماری (مطالعه موردی: مسجد کبود تبریز)، جاویدان خرد، شماره ۳۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۷، صفحات ۱۷۹ - ۲۰۲
- ۲۳- امری، نجمه، (۱۳۹۲)، تحلیل رویکرد تعلیمی ابوسعید ابوالخیر بر مبنای نظریه ارتباطات کلامی یاکوبسن، نشریه علمی- پژوهشی پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، سال پنجم، شماره هفدهم، بهار ۱۳۹۲، ص ۸۷-۱۱۴
- ۲۴- صراحتی جویباری، مهدی و مرتضی محسنی، (۱۳۹۵)، عوامل مؤثر در ایجاد نقش ترغیبی زبان در قصاید ناصر خسرو، کاوش نامه زبان و ادبیات فارسی ۳۳، علمی پژوهشی: ۹۷-۱۲۵

پی نوشت ها:

واژه مرمت بازاری برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد مهندس علی ساکت یزدی با عنوان «مطالعه و بررسی مرمت و احیای خانه های سنتی یزد در دهه ۸۲-۹۲» در دانشگاه هنر اصفهان می‌باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

